

«سامراشناسی»
روانه بازار نشر شد

کتاب «سامراشناسی (لحظه‌های حضور در آستان مقدس امامین عسکریین ع)» اثر محمدجواد مهری در ۹۶ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ رسید. اثر حاضر، یکی از مجلدات مجموعه شش جلدی است که برای آشنایی کاربردی با پنج شهر تاریخی-زیارتی عراق تنظیم شده و علاوه بر معرفی اماکن تاریخی و زیارتی عتبات عالیات، آداب سفر به عتبه مقدسه، دانستنی‌های زیارت، فضیلت شهر، ثواب زیارت، زیارت‌نامه مربوطه به همراه

ترجمه، زندگانی مدفونین در این اماکن، زبان شناسی، نقشه راهنمای آستان‌های مقدس و فاصله شهرها با محاسبه کیلومتر را نیز دربر دارد. مجلد پیش رو با عنوان «سامراشناسی» نکات کاربردی سفر سامرا و زیارت اماکن آن را برای مخاطب بیان کرده است. این کتاب در هشت گفتار تألیف شده است. گفتار اول با عنوان «سامراشناسی» فضیلت زیارت عسکریین (ع) را شرح می‌دهد. «شناخت‌نامه امام هادی (ع)»، «شناخت‌نامه امام عسکری (ع)»

متوسط از یک جوان بگذارد و دختر خنمی هم با کرشمه‌ای آن را اجرا کند، مورد استقبال قرار می‌گیرد. این مسأله خیلی به شعر ارتباطی ندارد بلکه رنگ‌و لعاب و فریب رسانه‌های مدرن است. هیچ تضمینی وجود ندارد که دوروز دیگر وجود داشته باشد.

۱] بنابر این معتقدید رسانه‌های مدرن به شعر ضربه زده‌اند؟
بیش از آن‌که خدمت کند، بله. البته خدمت هم کرده ولی ضربه‌زندگی‌اش بیشتر بوده است. یک بار مطلبی نوشته بودم مبنی بر این‌که من با همه جور بلاگری کنار می‌آیم جز بلاگر شعر. بلاگر شعر واقعا یعنی چه؟ طرف بدون هیچ اطلاع و سندی، یک‌سری شعرهای سخیف و غلط را می‌خواند، اگر مرد است یک ریش بلند دارد و صدایی دارد و اگر خانم است، با کرشمه‌ای که در صدایش می‌دهد، مدل راه رفتن و لباس پوشیدنش می‌آید پشت دوربین و می‌گوید: بله! آنجا که مولانا گفته است... درحالی‌که اصلا مولانا چنین چیزی نگفته است! شعری هم که می‌خواند سرتا پا هیچ ربطی به شعر و مولانا ندارد، بیشتر به بازیگری ربط دارد.

۲] به نظر می‌رسد، شاعرانی که شاعر خوبی هستند و کارنامه دارند، نتوانسته‌اند از فضای اینترنت استفاده کنند و صحنه را به بلاگرهای شعر واگذار کرده‌اند.

طبیعی است چون این فضا، یک رسانه است و برای موفقیت در این رسانه، باید سازوکار رسانه‌اش را بدانی. اینجا تریبون نیست که بروی بپشتش بایستی و صدفر هم در برابر شما نشسته باشند . اینجا شما با دوربین، نور، رنگ و صداسر و کار داری و اگر باید بودن شعر ربطی ندارد کمالین‌که خیلی‌ها در این فضا، شعر دیگران را می‌خوانند؛ مانند دوره اول شعر فارسی که شاعران خوبی بوده‌اند که نمی‌توانستند شعر خودشان را به خوبی بخوانند و کسی را به عنوان راوی یا نقال شعر استخدام

و «حرم‌شناسی» عناوین گفتار دوم تا چهارم این کتاب هستند. نویسنده در گفتار پنجم با عنوان «زیارت امام هادی (ع)، زیارت امام عسکری (ع)، زیارت‌رجس خاتون (س)، زیارت حکیمه خاتون (س) و زیارت امام زمان (عج) در سرداب مقدس را به رشته تحریر درآورده است. هفتمین گفتار مزار سیدمحمد(ع) و هشتمین و آخرین گفتار مزار ابراهیم بن مالک اشتر نام دارند.

شعر محرم

آشفته‌ام میان صفوف منظمی

برپا شده است در دل من خیمه غمی
جانم چه نوحه و چه عزا و چه ماتمی
عمری است دلخوشم به همین غم که در جهان
غیر از غمت نداشته‌ام بار و همدمی
بر سیل اشک خانه بناکرده‌ام ولی
این بیت سست را نفروشم به عالمی
گفتی شکار آتش دوزخ نمی‌شود
چشمی که در عزای توبل تر کند نمی
دستی به زلف دسته زنجیرزن بکش
آشفته‌ام میان صفوف منظمی
می‌خوانی ام به حکم روایات روشنی
می‌خواهمت مطابق آیات محکمی
ذی‌الحجه‌اش درست به پایان نمی‌رسد
تقویم اگر نداشته باشد محرمی...

می‌کردند و این افراد که طنطنه خاصی در صدای‌شان داشته‌اند، شعر شاعران را برای پادشاه می‌خواندند و شاه هم کیف می‌کرده و صله می‌داده است. الآن هم چند نفر هستند که شعرخوان هستند و به دیگران سفارش می‌دهند و شعر را می‌خرند و حفظ و اجرا می‌کنند.

۳] یعنی شما با این‌که دستیار وزیر در امور شعر یا معاونت شعر داشته باشیم، مخالفتی؟

بله کاملا مخالفم. در زمانی که آقای حسینی وزیر ارشاد بود، در زمانی که جشنواره شعر فجر قرار بود برگزار شود، با پیگیری آقای محدثی خراسانی، خدمت‌استاد شفییی کدکنی رسیدیم. صحبت کردیم و شعر خواندیم و ایشان مثل همیشه تحسین کرد. آقای حمیدی، مشاور وزیر هم در جلسه بود. او از آقای شفییی کدکنی پرسید دولت برای شعر چه می‌تواند، بکند؟ ایشان گفت، دولت بهترین کاری که می‌تواند انجام دهد این است که هیچ کاری انجام ندهد. منظورش البته دخالت مستقیم بود. در چندسال گذشته هم معاونت، هم مشاور و هم دستیار برای شعر درست شده است ولی آیا واقعا اتفاقی افتاده است؟ ما جشنواره شعر فجر درست کردیم تا در کنار جشنواره‌های فجر سینما، تئاتر، موسیقی و تجسمی برای شعر هم جشنواره‌ای دست و پا کنیم. آیا به نظر شما جشنواره شعر فجر، جشنواره موفق‌ی است؟ جریان ساز است؟ آیا وقتی شاعران در این جشنواره برگزیده می‌شوند، اتفاقی برایشان می‌افتد؟ ولی اگر همین جشنواره را بخش خصوصی برگزار کند، ماجرا متفاوت است. همین الان جشنواره شعر به انتخاب خبرنگاران چندسال است توسط بخش خصوصی برگزار می‌شود و خیلی موفق‌تر از جشنواره شعر فجر است. مردم حداقل شعر را که دولت برگزار کند، نمی‌پذیرند؛ سینما را می‌پذیرند، چون بخشی از سینما صنعت است ولی شعر که صنعت نیست.

برش

شاعری با مخاطب میلیونی

من یک مثنوی دارم به نام «گندم ری» که سال‌ها پیش آن را گفته و چند بار جاهای مختلف خوانده بودم. در زمانی که آقای آذری جهرمی وزیر ارتباطات بود، مراسمی در این وزارتخانه گرفته بودند و یک جمع ۱۰۰۲۰ نفره از شعرا حضور داشتند. آقای انسانی و دیگر شاعران بودند. من این شعرا را آنجا خواندم و آقای آذری دوس سه شب بعد پنج بیتش را که نزدیک ۴۵ ثانیه است، در صفحه خودش گذاشت. احتمالا دوسه بیتش را شنیده‌اید که:

حسین سینه‌زن رازهن نمی‌خواهد
حسین کوفی پیمان شکن نمی‌خواهد
چه سود دل به غمت دادن و زیانم لال
حسین گفتن و آتش زدن به بیت‌المال

این شعر فکر می‌کنم بالای ۳۰ ۲۰ میلیون بار دیده شده و هرسال در عاشورا مردم مجدداً آن را می‌شنوند. حتی آن قدر استقبال شده که من دیده‌ام روی پیراهن‌ها و بیرق‌ها آن را می‌نویسند، پرچم شده است. همین بیت «حسین سینه‌زن رازهن نمی‌خواهد/ حسین کوفی پیمان شکن نمی‌خواهد» پرده شده است و برای خود شاعر هم عجیب و جالب است که چه می‌شود که یک بیت این همه تکرار می‌شود.

هنیه و پرشکیان بر دیوارنگاره
میدان ولیعصر^(عج)

همزمان با مراسم تشییع شهید اسماعیل هنیه در تهران، از جدیدترین دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) با شعار «فرمانده آزادگان، رونمایی شد. در توضیح این دیوارنگاره که با تصویری از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در کنار شهید هنیه ترسیم شده، بخشی از صحبت‌های رئیس‌جمهور برای شهادت اسماعیل هنیه ذکر شده است: «دیروز دست فاتح او را بالا بردم و امروز باید بر روی شانه‌هایم او را تشییع کنم. جمهوری اسلامی ایران از دیوارنگار هنری، عزت، حیثیت، افتخار و شرف خود دفاع و اشغالگران تروریست را از اقدام بدزلانه خود پشیمان خواهد کرد.»

شعر سخیف
شده‌اند

مجازی بیش از این‌که به شعر و ادبیات کمک کرده
اد و کم ذوق به شعر ضربه زده است

از دوستداران شعر، شعرهایش به‌خصوص سروده‌های طنز او را شنیده‌اند. بیابانکی علاوه بر سرودن شعر، در حوزه اجرای برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و محافل ادبی نیز صاحب تجربه است. از کتاب‌های شعر او می‌توان به «زدپایی بر برف»، «نیمی از خورشید»، «نه ترجیحی، نه اناری»، «نامه‌های کوفی»، «بی‌لاد»، «هی شعر تر انگیزد» (مجموعه شعر طنز)، «سکته ملیح» (مجموعه شعر طنز)، «چقدر پنجره»، «جامه‌داران»، «لبخندهای مستند» (مجموعه نثرهای کوتاه طنز)، «سنگین» و «بنچ داستان» از شاهنامه اشاره کرد. با او درباره وضعیت شعر امروز، تأثیرگذاری نشست‌ها و مجامع ادبی در شعر و نیز تأثیرات مثبت و منفی فضای مجازی بر شعر امروز صحبت کرده‌ایم.

... خوانده می‌شد.

دولت دست از سر شعر ستان شاعر می‌گویند شعر داده نمی‌شود. به هرحال یک کشور و شعر که سرمایه نظرات چگونه ممکن

بلکه باید بسترسازی کند. دولت‌دوستان صنعتگر و فعال شعرها را گسترش دهم. دوسری اندیشه گفتیم یک بنیم مردم چقدر استقبال از رسانه‌ی کردیم، برنامه را سخنرانی کنند، کدام گروه برلیت خریدند و تعدادی است که بودجه برنامه ال‌یک حرکتی بود. همین

درنگ

یک شعر با آدم چه می‌کند

را برای یک شهید بی‌سرگشته بودم و برای امام حسین (ع) شد. خاطره‌ای از یک شهید بی‌سر خوانده بودم و بی‌تی

شمیتم همه جای تن بی‌سری! شه عطری که درش گم شده باشد

لتر هم نشده بود. برای این‌که این بیت یادم نرود، شب آن هم نزدیکی‌های اوایل محرم بود. صبح که باشدم دیدم رده شده است.

شده بود و هفته بعدش من رفتم اهواز. دیدم در ورودی شش هم نبود و حتی شعر را هم عوض کرده بودند، چیزی ش‌وا شده باشد! شب عاشورا دیدم وقتی اخبار ساعت ۱۰، آقای آذرلو که الان دیگر گوینده نیست و سخنگوی فواند و اخبار را تمام کرد. هنوز هم همه جا هست و من هم. یک بار مشهد می‌رفتم با آقای برقی و در طول راه



آخرین خبر از وضعیت
ثبت کارگزاری‌های ادبی

یاسر احمدوند، معاون فرهنگی وزیر ارشاد با اشاره به این‌که کارگزاری‌های ادبی باید فعالیت‌های خود را ثبت کنند تا بتوانند در فعالیت‌های رسمی حضور داشته باشند، گفت: کارگزاری‌های ادبی مدارک‌شان را

تحويل دادند و در مراحل صدور مجوز قرار دارند. باید مراحل اداری و استعلام‌های آن انجام شود. ما صدور را شرط حضور در نمایشگاه کتاب نگذاشتیم، بلکه اقدام به دریافت را شرط گذاشتیم. در سال‌های آینده با دریافت مجوز موسسه فرهنگی کارگزاری‌های ادبی می‌توانند فعالیت خود را ادامه دهند. در این صورت از امتیازهای یک موسسه فرهنگی تک‌منظوره برخوردار خواهند بود. این درخواست در درگاه ملی مجوزها قابل انجام است و کارگزاری‌ها می‌توانند در آنجا درخواست را ثبت کنند. به نظرم ساماندهی خوبی است برای این‌که این کارگزاری‌ها بتوانند فعالیت قانونی داشته باشند. و گفت: نمی‌خواستیم صرفا در تعدادی نمایشگاه حاضر باشیم، فقط غرفه‌ای به نام ایران وجود داشته باشد و تعدادی افراد ثابت در نمایشگاه‌هایی که دست‌آور چندانی برای نشر ایران نداشت، شرکت کنند.

شما این دیدگاه درستی است؟

به هرحال مردم شعری را می‌پسندند که آنها را تکانی بدهد. چرا مردم شعر طنز را دوست دارند و آن را می‌پذیرند؟ حتی برخی از دوستان طنزپردازی که از نظر زبانی به تکامل نرسیده‌اند و شعرشان پر از لغزش‌های زبانی و وزنی است، آثارشان مورد پذیرش قرار می‌گیرد؟ چون یکی از کارکردهای شعر طنز نقد اجتماعی و سیاسی و نقد قدرت است در صورتی که شعر عاشقانه چنین ظرفیتی ندارد. شعر آیینی هم به این خاطر که با عواطف دینی و اعتقادی مردم سروکار دارد، مورد توجه است. همه مردم حماسه عاشورا و مصائب ائمه معصومین (ع) را می‌دانند، ولی از یک شعر خوب و تروتمیز که بتواند احساسات‌شان را تحت‌تأثیر قرار دهد، استقبال می‌کنند. البته ترانه به دلیل این‌که با موسیقی تلفیق می‌شود، اساسا یک رسانه جدید است و نمی‌توان آن را با شعر قیاس کرد و باید در حوزه موسیقی بررسی شود. شما می‌بینید یک ملودی موفق را با ۱۰ مدل کلام می‌خوانند و استقبال می‌شود.

یک ملودی که روی شعر عاشقانه است، مداحان تغییرش می‌دهند و شعر آیینی روشی می‌گذارند و باز هم مردم استقبال می‌کنند. یک بار شعر طنز رویش می‌گذارند و دستش می‌اندازند اما همچنان زیبایی ملودی سرچایش هست. من معتقد نیستم که مردم از شعر خسته شده‌اند، مردم از شعر بد، ضعیف و سخیف خسته شده‌اند ولی شعر خوب را هنوز می‌خوانند. چرا حافظ و مولانا هر روز جایگاه بهتری در نزد مردم پیدا می‌کنند؟ این نشان می‌دهد که مردم شعر خوب را می‌خواهند نه شعر متوسط را.

پس چرا در شبکه‌های

اجتماعی، شعرهای

متوسط و ضعیف مورد

استقبال قرار می‌گیرد؟

به نظرم شبکه‌های اجتماعی نمی‌توانند معیار خوبی باشند، اگر متر و معیار، لایک، دیس‌لایک، کامنت و این چیزها باشد، با الگوریتم‌ها و فریب‌های خاصی قابل تولید است. به هرحال من خودم کارشناس این حوزه هستم. هیچ تضمینی برای ماندگاری آنها نیست و فقط در فضای مجازی حضور دارد. یکی از دوستان می‌گفت اینها شاعران اینترنتی هستند و در جامعه حضوری ندارند. اگر یک شعر خوب از شاعران بزرگ در فضای مجازی بگذارد، می‌بینید مورد استقبال چندانی قرار نمی‌گیرد اما اگر یک شعر

بحث ادبی می‌کردیم، پشت سر ما آقایی نشسته بود، سرش را جلو آورد و من فکر کردم می‌خواهد بگوید چقدر حرف می‌زیند، کمی آهسته‌تر! ولی او گفت بیخشید، ما می‌توانیم با شما یک عکس سلفی بگیریم. برگشتیم دیدیم یک آقای روحانی است که خیلی هم از ما مسن‌تر است. گفتیم ما باید با شما سلفی بگیریم. پایین که آمدیم و سوار اتوبوس شدیم، آقای برقی گفت حاج آقا، شما آن بیت «پیچیده شمیتم همه جا...» را شنیده‌اید؟ گفت بله، شنیده‌ام. برقی گفت می‌دانید این بیت از کیست؟ پاسخ داد نه، نمی‌دانم. آقای برقی گفت این بیت مال ایشان است و حاج آقا این را که شنید مرابعل کرد و راز راز شروع کرد به گریه. همه برگشتند با تعجب نگاه‌کردن. او گفت شما نمی‌دانید من با این بیت جکها رفته‌ام و شما خبر ندارید که یک شعر با آدم چه می‌کند.

از دراصلی ورودی که می‌خواستیم وارد شویم، دیدیم دوردیف نظامی ایستاده‌اند که از ایشان استقبال کنند. ما را به آنها معرفی کرد و نظامی‌ها با ما عکس گرفتند، سؤال کردیم حاج آقا شما چه‌کاره هستید که این همه نظامی از شما استقبال می‌کنند، پاسخ داد من رئیس عقیدتی-سیاسی نیروی انتظامی هستم! گاهی شعر این‌گونه است و دست خود شاعر نیست. انگار یک اتفاق دیگری برایش می‌افتد و معلوم هم نیست این شعری که الان سروده می‌شود چه سرنوشتی در انتظارش هست.



محل داستان نویسی ویژه
کودکان و نوجوانان

کارگاه آموزش داستان نویسی «قلم در دستان تو» ویژه مخاطبان گروه کودک و نوجوان در کتابخانه شقایق برگزار می‌شود. سلسله نشست‌های آموزش داستان نویسی با عنوان «قلم در دستان تو» با هدف ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی به صورت آموزش

شیوه‌های مختلف داستان‌نویسی، خلق شخصیت‌ها و شخصیت‌پردازی در داستان و عناصر قصه برگزار می‌شود. این ویژه‌برنامه مخصوص گروه سنی کودک و نوجوان بوده و رفیع افتخار، نویسنده نام‌آشنای کودک و نوجوان به آموزش مباحث مرتبط با داستان‌نویسی و روش‌های خلاقاته ادبی در این زمینه می‌پردازد. رفیع افتخار از نویسندگانی است که علاوه بر نوشتن آثار داستانی در حوزه رمان به خصوص رمان نوجوان، از جمله کتاب‌های «بنفشه‌ها می‌خندند»، «بی‌نام‌ها» و «دنیای آرزوها» تجربه قابل‌توجهی در اجرای کارگاه‌های آموزش داستان‌نویسی برای کودکان و نوجوانان دارد. کارگاه آموزش داستان‌نویسی قلم در دستان تو، روزهای پنجشنبه هر هفته از ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۲ تا در کتابخانه شقایق برگزار می‌شود، ورود برای عموم علاقه‌مندان بلامانع است. کتابخانه شقایق واقع در خیابان شهید نانی، میدان شقایق، جنب پارک شقایق است و علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۷۷۹۰۴۱۵ تماس بگیرند.

نشست

قاب

جام جمعه

فرهنگ
CULTURE

شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۸۷۵

داده‌نما

بعد از استیلای اینترنت، گرد همایی‌ها و دورهمی‌ها کم‌رنگ شد و باید با همایش‌ها و گرد همایی‌های شعری خدا حافظی کنیم

پیشنهاد من به مجموعه دولت‌ها این است که شعر را به مردم واگذار کنند

شعر را در طول تاریخ، انجمن‌های ادبی زنده نگه داشته‌اند و شاید اگر آنها نبودند، شعر از بین می‌رفت

مردم حاضرند برای این که بیایند و شعر گوش بدهند و درباره ادبیات حرف زده شود، پول هم بدهند

معتقدم شعر باید دست بخش خصوصی باشد

یکی از کارکردهای شعر طنز، نقد اجتماعی، سیاسی و نقد قدرت است

شعر آیینی به این خاطر که با عواطف دینی و اعتقادی مردم سرو کار دارد، مورد توجه است

استقبال از برخی شعرهای ضعیف در اینترنت، به شعر ارتباطی ندارد، بلکه فریب رسانه‌های مدرن است

جشنواره شعر فجر نتوانسته است جشنواره موفق و جریان‌سازی باشد

گاهی استقبال برای یک شعر، اتفاقی از جنسی دیگر می‌افتد و به شدت مورد توجه مردم قرار می‌گیرد



تیزد



شعر خوانی



گزیده گفت‌وگو

